

## معرفی کتاب



## مدیریت بدون زور و اجبار

**نام کتاب:** مدیریت بدون زور و اجبار**نویسنده:** دکتر ویلیام گلسر**مترجم:** دکتر علی صاحبی**ناشر:** سایه سخن

مدیران باید بدانند کیفیت، مرکز و اساس چیزی است که همه خواستار آن هستیم. کیفیت را نمی‌توان به گونه‌ای که مورد قبول همگان باشد، تعریف کرد. کیفیت بهتر فقط از طریق تلاش مداوم برای بهبود و رشد به دست می‌آید؛ صالته که این تغییر و پیشرفت تدریجی است. هر مؤسسه‌ای که محصول و یا خدماتی با کیفیت بالا، می‌خواهد پیشرفت کند، باید این هدف را مدنظر داشته باشد که دائماً کیفیت را بالا ببرد و در عین حال سعی کند قیمت را ثابت نگه دارد و حتی پایین آورد. مشتریان به این مراکز همواره وفادار خواهند ماند.

مدیران راهبر می‌دانند که برای اینکه کارکنان‌شان بتوانند کار با کیفیت بالا ارائه دهند، باید پنج شرط را رعایت کنند که اساس این شروط تئوری انتخاب است. این شرایط عبارتند از:

- فراهم کردن محیط کار صمیمی و حمایت‌کننده. کارکنان باید بتوانند به مدیران اعتماد کنند (اگر کارمندی پیشنهادی داد و پذیرفته نشد، مدیر باید تلاش کند علت آن را توضیح دهد).
- از آنجایی که کیفیت سودمند است، مدیران باید کارکنان‌شان را تشویق کنند در جهت سودمندی کارشان تلاش کنند.
- از کارکنان خواسته می‌شود بهترین کاری را که از دست‌شان برمی‌آید، انجام دهند (کیفیت بالا نتیجه بهترین تلاش‌های کارکنان و مدیران است).
- از زمان استخدام کارکنان، مدیران راهبر به آنها در ارزیابی خودشان کمک و بر اساس همین خود ارزیابی آنها را تشویق می‌کنند که کیفیت کارشان را بالا ببرند (این شرط، دشوارترین بخش اجرایی است). در اینجا از بازرسان‌هایی یاقته و باید بدانیم چیزی که باعث افزایش کیفیت می‌شود، نتیجه خود ارزیابی و پیشرفت مداوم است.
- کار با کیفیت بالا، همیشه احساس خوب به همراه دارد (این یک شرط غیراجرایی است. وقتی یک مدیر چهار شرط را به کار گیرد، برای تحقق شرط پنجم به انجام کاری نیاز ندارد و در نتیجه کیفیت خوب، هم مدیر و هم کارکنان احساس خوب دارند).

کتابخانه مرکزی سازمان تأمین اجتماعی به منظور کاربردی کردن و توسعه دانش تخصصی در حوزه رفاه و تأمین اجتماعی، معرفی منابع جدید اعم از کتب، طرح‌های پژوهشی، معرفی پایان‌نامه و رساله‌های جدید و مرتبط را در دستور کار خود دارد. علاقمندان به تهیه این کتاب می‌توانند جهت مطالعه و امانت گرفتن این کتاب با تلفن ۰۲۱-۶۶۵۷۰۱۳۷ داخلی ۲۰۱ کتابخانه مرکزی سازمان تأمین اجتماعی تماس بگیرند.

مهناز علی جانی  
کارشناس ارشد و مسئول  
کتابخانه مرکزی سازمان

## گفت‌وگو

تقریباً حدود دو سال از ورود کرونا به کشورمان می‌گذرد؛ دو سالی که کرونا، زندگی همه ما را تحت تأثیر خود قرار داد و دستخوش تغییرات فراوانی کرد، اما در این بین برخی مشاغل و اصناف به تناوب بیش از دیگران از کرونا آسیب دیدند که برای نمونه می‌توان به اماکن عمومی مانند تالارها، سالن‌های نمایش و سینماها اشاره کرد. طی این مدت که کرونا در کشور ما جولان می‌داد و ما با اهل هنر در این زمینه گفت‌وگو‌هایی داشتیم، کم و بیش همه از اوضاع نابه‌سامان حاکم به دلیل شیوع کرونا و رعایت شیوه‌نامه‌های بهداشتی و تعطیلی اماکن عمومی طبق دستور ستاد ملی مبارزه با کرونا گلا به‌مند بودند و کرونا را عامل اصلی ر کود در فعالیت‌های هنری خود می‌دانستند، اما اکنون که طرح واکسیناسیون سراسری و ملی، کم‌کم به پایان کار خود نزدیک می‌شود و اوضاع به مانند سابق بازگشته برخی اصناف روال عادی خود را همانند قبل از کرونا از سر گرفته‌اند. در این بین، کرونا فرصتی را نیز برای برخی فراهم آورد تا بیکار ننشسته و با شرایط جدید خود را وفق داده و به کار خود همچنان ادامه دهند. البته ناگفته نماند که اکنون و در عصر حاضر به مدد تکنولوژی جدید و اینترنت و از همه مهمتر فضای مجازی، این مهم محقق شده و در همه کشورها نیز مورد استفاده قرار می‌گیرد و می‌رود تا کشور ما نیز به این جرگه بپیوندد. در این شماره با بهروز غریب‌پور گفت‌وگویی ترتیب دادیم تا از فعالیت‌های جدید در دوران بعد از کرونا در این بستر برای ما سخن بگوید. غریب‌پور (زاده سال ۱۳۲۹ در سمنان) نویسنده، کارگردان تئاتر و سینما و استاد نمایش عروسکی ایرانی است. وی از سال ۱۳۴۶ تاکنون بیش از ۵۰ نمایش و اپرای عروسکی را طراحی و کارگردانی کرده و به‌رویی صحنه برده و بیش از ۱۲۰ اثر نوشته و ترجمه از خود به یادگار گذاشته است. گفت‌وگوی ما را در ادامه بخوانید.

مدیه «داشته باشیم که به دلیل استقبال فراوان از سوی تماشاگران مجبور شدیم پنج‌اجرا را به‌روی صحنه ببریم. همچنین مادر شهر «کراکو» که یکی از شهرهای معروف و تئاتر خیز جهان است نیز نمایش داشتیم که در شب دوم اجرا در پایان نمایش «ستم و سهراب» تعدادی از هنرمندان عروسک‌گردان این کشور خواستند تا پشت صحنه کار را ببینند که ما چگونه با ۳۰ نفر از عوامل اجرا، نمایشی با این عظمت را روی صحنه بردیم و آن را اجرا کردیم.

به عنوان آخرین سؤال، شما چه راهکار پیشنهادی برای بهبود عملکرد گروه‌های تازه کار در هنر نمایش عروسکی دارید؟

ببینید تفاوت ما با دیگر کشورهایی که در این هنر پیشرفت کرده‌اند، در این است که در دنیا، این هنر جدی گرفته می‌شود و برای آن اهمیت زیادی قائل هستند و برای آن نیز بودجه اختصاص می‌دهند، اما متأسفانه در ایران به این صورت نیست و فقط تصور می‌شود که می‌توان فقط با منبع درآمد تماشاگر نمایش و گیشه، آن را جلو برد و نیازی به سرمایه‌گذاری ندارد. در کشور ما نیز همانند سایر کشورها که در این هنر صاحب‌نام هستند، باید ارگان‌ها و سازمان‌های مرتبط و دست‌اندر کار، حمایت و سرمایه‌گذاری کنند. توجه داشته باشید تأثیر نمایش عروسکی بر بچه‌ها بسیار زیاد است و آنان در دنیای خود با عروسک‌ها ارتباط خاصی برقرار می‌کنند که درک آن در افراد بزرگسال کمی پیچیده است. تأثیری که یک نمایش عروسکی بر مخاطب خود بر جای می‌گذارد بسیار متفاوت با سایر هنرهای نمایشی است و این موضوعی است که بر کسی پوشیده نیست. دولت مانند طور که در پروژه‌های علمی و تحقیقاتی سرمایه‌گذاری می‌کند، باید در هنر نیز سرمایه‌گذاری بیشتری کند. باید بر روی هنر سرمایه‌گذاری کرد و فقط امروز را مدنظر نداشت بلکه نهال هنر طی سالیان و در نسل‌های بعد ثمر خود را می‌دهد. این موضوع نه‌فقط در هنر عروسک‌گردانی بلکه سایر هنرها نیز صادق است و می‌بایست از آنها نیز حمایت‌های لازم صورت گیرد؛ به‌ویژه در شرایط خاص که ما در دو سال گذشته با شیوع کرونا شاهد آن بودیم که خود را نشان داد. شما در نظر داشته باشید یک نمایش، عوامل پشت صحنه مختلفی را شامل می‌شود که در پشت صحنه در حال فعالیت هستند؛ مانند طراحان صحنه، عروسک‌سازها، عروسک‌گردان‌ها، صداگذارها و... حتی خیاطی که برای عروسک‌ها لباس طراحی می‌کند و می‌دوزد. همه این عوامل دست در دست هم می‌دهند تا یک نمایش آماده روی صحنه رفتن شود. بنابراین مادر این هنر باطیف‌های مختلفی روبه‌رو هستیم که هر یک به نوعی گوشه‌ای از کار را بر عهده دارند.

دیگر بهانه‌ای نیست که به دلیل شرایط کرونا و ترس از ابتلاء تماشاگر به کرونا آنان به تماشای فلان اثر نمی‌آیند و مردم نسبت به هنر نمایش بی‌تفاوت شده‌اند. شاید تماشاگر آن آثار تولیدی را در حد خود نمی‌بیند که به تماشای آن نمی‌آید. این موضوع بسیار مهمی است که نباید از آن غافل شد. هنرمند باید پایه‌های فناوری جلو بیاورد و خود را با شرایط جدید وفق دهد، همان‌طور که سایر کشورها این کار را می‌کنند.

شما در شرایط کرونایی کار را چگونه پیش بردید؟

من جدا از افرادی که طی این مدت، کرونا را در همه زمینه‌ها؛ به‌ویژه کاری، یک تهدید قلمداد می‌کردند، از کرونا یک فرصت ساختم و آن را به یک فرصت تبدیل کردم.

به چه طریق؟

ببینید طاعون، وبا و یا سایر بیماری‌ها و جنگ‌ها نتوانسته در اروپا و یا سایر ملل جهان جلوی هنر و رشد آن را بگیرد و آن را متوقف سازد، در عصر حاضر نیز نه‌تنها کرونا بلکه رویدادهایی از این دست نمی‌تواند جلوی پیشرفت علم و هنر را در هر جامعه‌ای بگیرد. همان‌طور که طاعون اواخر قرن پانزدهم میلادی نیز نتوانست شکسپیر را از خلق آثارش متوقف سازد و او در دوران قرنطینه کامل ناشی از طاعون، شاهکار ادبی خود یعنی «رمثو و ژولیت» را در زمانی که تحت قرنطینه بود، خلق کرد. من نیز طی دوران کرونا بیکار ننشستم بلکه فعالیت کاری خود را مضاعف کردم و طی این مدت در حال آنلاین و پردازش کارهای جدیدم بودم. ضمن اینکه با دانشجویانم در ارتباط بودم و تدریس را در برنامه‌های کاری خود داشتم.

از کارهای جدیدتان چه خبر؟

من طی زمانی که کرونا سایه شوم خود را افکنده بود، کار جدیدی ساختم به نام «همای و همایون» که بر اساس دو منظومه از «خواجوی کرمانی» و با صدای «سالار عقیلی» و موسیقی «بهزاد عبدی» به همراه ده‌ها همخوان ساخته شده است. این کار در نوع خود پروژه عظیمی است که من آن را ساختم و کار را رهبری کردم که با کمک همه عوامل پشت پرده، کار خوبی نیز از آب درآمد و همچنان این کار ادامه دارد همچنین من رهبری و هدایت دو گروه «آران» که متمرکز بر روی اپرای ایرانی و عروسکی و گروه تئاتری «آرین» که متمرکز بر روی اجراهای تئاتری است را بر عهده دارم که مادر کشورهای آلمان، انگلستان، فرانسه، آمریکا، چکسلواکی و ونزوئلا اجرا داشته‌ایم. در این کشورها، ما نمایش «رستم و سهراب» را بر روی صحنه بردیم که با استقبال فراوانی نیز مواجه شد. در فرانسه ما قرار بود سه اجرا در شهر «شاول

قبل از انقلاب نیست.

یعنی معتقدید که انقلاب اسلامی، رنسانس نمایش عروسکی بود؟

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در برخی مقاطع به تناوب به این هنر نگریسته شد. یعنی ما در مقاطع مختلفی شاهد ظهور این هنر، اما در برخی مقاطع زمانی نیز شاهد افول آن بوده‌ایم. به عنوان نمونه می‌توان به جشنواره فیلم فجر که مهمترین رویداد هنری کشور در طول سال است، اشاره کرد که ما هر سال شاهد حضور و رقابت گروه‌های عروسکی، نه‌تنها داخلی بلکه در برخی مواقع شاهد حضور و شرکت برخی گروه‌های نمایش عروسکی از دیگر کشورها در آن بودیم که رقابت و همچنین تجربه بسیار مفیدی؛ به‌ویژه برای گروه‌های جوان و تازه کار بود که با نوع کار جدید و همچنین انواع سبک‌هایی که دیگر کشورها در زمینه هنر عروسک‌گردانی به کار می‌گیرند، آشنا شوند. اما اکنون این جشنواره از سالانه تبدیل به دوسالانه شده که باز خورد چندان مطلوبی ندارد.

نظر شما در مورد به‌روی صحنه بردن نمایش در فضای مجازی چیست؟

به‌روی صحنه بردن نمایش در فضای کرونایی موضوعی است که از اهمیت زیادی برخوردار است و باید همه عوامل و دست‌اندر کاران امور نمایشی مانند تئاتر و سینما و... به آن توجه ویژه‌ای داشته باشند. این موضوع قابل کتمان نیست که کرونا، تماشاگران را از سالن‌های کوچک به فضای مجازی و تماشاگر بیشتر کشاند و آنان را ساقط داد و باب تازه‌ای در این مسیر گشود. شما ببینید در قبل از کرونا ناچار بودید برای تماشای یک نمایش عروسکی راهی فلان تماشاخانه در تهران شوید که تازه این فرصت فقط نصیب تهرانی‌های می‌شد که آنان با شرایطی سخت و طاقت‌فرسا مانند زمان، ترافیک و مشکلاتی از این دست برای تماشای یک نمایش مواجه بودند. امکان تماشا نیز برای مخاطبان و علاقه‌مندانی که در سرتاسر ایران هستند نیز اصلاً وجود نداشت، اما کرونا این ساختار قدیمی و فرسوده را در هم شکست و اکنون هر کسی از هر نقطه‌ای که ساکن است و تمایل دارد نمایشی را تماشا کند و یا در فلان کلاس ثبت‌نام کند و آموزش ببیند به راحتی می‌تواند این کار را انجام دهد و مانعی نیز برای او در این زمینه وجود ندارد.

اما طی این مدت بسیاری از این موضوع گلا به‌مند بودند. نظر شما چیست؟

ببینید من قصد غر زدن ندارم و اصلاً به این موضوع نیز ایمان ندارم. بسیاری از کشورها مدت‌هاست این مسیر را پیموه‌اند و از آن استفاده بهینه می‌کنند. ما نیز باید این امکان و فرصت به وجود آمده نهایت استفاده را ببریم.

از نمایش عروسکی برای‌مان بگویید. به نظر شما، خاستگاه اصلی هنر نمایش عروسکی کدام کشور است؟

ببینید همان‌طور که فرهنگ و زبان و نژاد ملل گوناگون با یکدیگر متفاوت است، هنر، شعر، موسیقی و شکل و ظاهر عروسک‌ها نیز با هم متفاوت است و تنها مختص یک فرهنگ یا کشور خاص نیست که فقط بتوان از آن نام برد. اما موضوع مهم در این زمینه این است که ما در ابتدا باید ببینیم که این هنر ابتدا در کجا، در ک و سپس به آن بهاء و اهمیت داده شد. البته لازم به ذکر است که نمایش عروسک نخی در اروپا بسیار مورد توجه بود و برای کودکان نیز نمایش داده می‌شد؛ حتی در برخی کشورها، عروسک‌گردانی به کودکان نیز آموزش داده می‌شد. اما اولین اپرای عروسکی در کشور اتریش ایجاد شد و به نمایش درآمد. البته به نظر می‌رسد خاستگاه ریشه اصلی این هنر را باید اروپا جست‌وجو کرد یا لاقال این کشورهای اروپایی بودند که ابتدا به عروسک‌گردانی، رنگ و لعاب نمایش اپرایی و سالتنی دادند. در آسیا نیز این هنر از دیرباز مورد توجه بوده است. در کشورهای آسیایی، ژاپن و هندوستان در این هنر پیشتاز و بی‌نظیر هستند. برای نمونه می‌توان به کشور هندوستان اشاره کرد که اکنون در این کشور حدود ۱۰ هزار گروه تئاتر عروسکی وجود دارد که در حال فعالیت هستند. ژاپنی‌ها نیز از این هنر برای بیان و به نمایش گذاشتن فرهنگ و آداب و رسوم خود، استفاده فراوان می‌کنند؛ حتی طرز لباس پوشیدن و نوع رفتار اجتماعی این کشور را شما می‌توانید در عروسک‌های‌شان مشاهده کنید. در اندونزی نیز همین‌طور، اما در ایران طی سالیان اخیر، مادر هنر عروسک، صاحب‌نام و برتر شده‌ایم و به جرأت می‌توان گفت در این شاخه هنری بسیار سریع رشد کرده‌ایم.

یعنی به نظر شما، کشور ما سابقه چندانی در این هنر ندارد؟

نسبت به سایر کشورها بله، ایران سابقاً چندانی در این هنر نسبت به دیگر کشورها در دنیا ندارد. در قبل از انقلاب نیز چندان به این هنر توجه نمی‌شد و اصلاً برای آن جایگاهی در جامعه و حتی هنرمندان وجود نداشت. به جرأت می‌توان گفت، اعتلای نمایش عروسکی در ایران در بعد از انقلاب صورت گرفت. مادر قبل از انقلاب در هنر نمایش عروسک‌گردانی، گروهی نداشتیم و تنها گروه «کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان» بود که آن هم به صورت جسته و گریخته تحت نظر شخصی به نام «اسکار باتک» فعالیت می‌کرد. بعد از انقلاب، مرکز کانون پرورش و تالار هنر با مدیریت من به وجود آمد و این موضوع را نمی‌توان انکار کرد که اساس فعالیت هنر نمایش عروسکی در ایران در بعد از انقلاب شکل گرفت که اکنون وضعیت این هنر در کشور اصلاً قابل قیاس با



اعظم‌زنگی

روزنامه‌نگار

به جرأت می‌توان گفت، اعتلای نمایش عروسکی در ایران در بعد از انقلاب صورت گرفت. مادر قبل از انقلاب در هنر نمایش عروسک‌گردانی، گروهی نداشتیم و تنها گروه «کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان» بود که آن هم به صورت جسته و گریخته تحت نظر شخصی به نام «اسکار باتک» فعالیت می‌کرد. بعد از انقلاب، مرکز کانون پرورش و تالار هنر با مدیریت من به وجود آمد و این موضوع را نمی‌توان انکار کرد که اساس فعالیت هنر نمایش عروسکی در ایران در بعد از انقلاب شکل گرفت که اکنون وضعیت این هنر در کشور اصلاً قابل قیاس با